

آن روی سکه

اندیشه، دموکراسی و مردم‌سالاری، بار دیگر در جامعه شیعه به دفاع از دیدگاه‌های کثیرین‌نواء و حسن بن صالح بن حی، به عنوان یک دستاورد بشری! مطرح برخیزند.

پیروان این فرقه بر این باورند که «امامت با شورای مسلمانان تعیین می‌شود و این شورا می‌تواند با نشست دو تن از نیکان امت انعقاد یابد. اینان امامت مقضول را با بودن فاضل روا می‌دارند و بر این باورند که اصلح در بیعت کنار گذاشته شد، زیرا علی(ع) حاضر بود.»^۲

این فرقه «حضرت علی(ع) را بهترین مردمان می‌دانند اما با این‌همه، امامت ایشان را فقط از زمان بیعت با او محسوب می‌دارند»^۴، یعنی درست همان مقوله‌ای که مطبوعات زنجیره‌ای آن را دنبال کردند. پیروان سیاسی و فکری امروز «بتریه» نه تنها با وقاحت تمام چنین نگاهی را در لفافه و گاه به صراحت در خصوص امامت علی(ع) بیان کردند، بلکه در برخورد با مسئله «ولایت فقیه» که امام

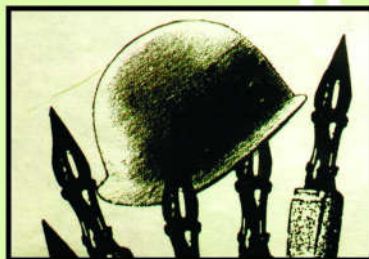
راحل آن را همان «ولایت ائمه» به شمار می‌آورد، احیاءکننده اندیشه‌های فرقه‌بتریه شدند.

این فرقه به تکثرگرایی حتی در حوزه امامت و ولایت اعتقاد دارد و بر این باور است که «اگر هر کدام [به عنوان امام] در مملکت جداگانه‌ای باشند، هریک در ناحیه و مملکت خود امام خواهد بود و اگر یکی بر خلاف دیگری رای دهد، هر دو بر صواب باشند»^۵.

موضع‌گیری‌های یک جریان سیاسی در سال‌های اخیر در رویکرد به پیروی از دیدگاه‌ها و نقطه نظرهایی که امام آن را مطرود شمرده است و ... در کنار نادیده گرفتن فرمان‌های رهبری در هر سال و ناشنیده گرفتن سخنان صریح رهبری در سیاست‌های خارجی و داخلی از سوی برخی از مسئولان، قبل از آن‌که ریشه در نگاه سیاسی آنان به معادلات خارجی و داخلی داشته باشد، ریشه در اعتقادات آنان به مسئله امامت و ولایت و باورمندی به امامت در حوزه خاص است، تا جایی که با جست‌وجو در مطبوعات وابسته به این جریان، به خوبی می‌توان ریشه‌گریز برخی قوا از فرمان رهبری را در اعتقاد آنان به درست بودن عمل خود، ولو بر خلاف امامت و رهبری دانست.

جالب این‌جاست که این فرقه «در اصول دین پیرو معتزله‌اند و ائمه معتزله را از ائمه اهل بیت، بزرگ‌تر می‌شمارند»^۶

مطبوعات وابسته به جریان «شورا محور» در مسئله امامت و ولایت نیز معتقد به «تن دادن به رای مردم حتی در مسئله امامت و ولایت» می‌باشند و همواره به تبلیغ چهره روشنفکرانی می‌پردازند که اعتقادات آنان، بر خلاف نظر امامان شیعه است. آری، اکنون فرقه «بتریه»، در دامان تساهل و تسامح و چراغ سبز نشان دادن برخی مسئولان کشور بار دیگر ظهور کرده است و به نظر می‌رسد با حمایت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که از ترویج‌کنندگان این تفکر از چندسال پیش به این سو صورت گرفته است، رسوبات فکری این جریان تا عصر ظهور امام زمان(عج) باقی خواهد ماند؛ شک نکنید امام زمان(عج) با آنان همان معامله‌ای را می‌کند که با دجال خواهد کرد.



شک نکنید!

امام زمان اینان را...

حسن ابراهیم زاده

صراحت از آنان تبری جست و با بیان این مطلب که «بترتم امرنا بترکم الله؛ کار ما را بریدید، خدا [کار] شما را ببرد» آنان را نفرین و از آن پس به «بتریه» شهرت یافتند. پس از آن امام صادق(ع) با کذاب و مکذب خواندن رهبری این جریان^۲ شیعیان را از نزدیک شدن به آرا و اندیشه‌های این فرقه بر حذر داشتند. به راستی رهبران فکری بتریه و هواداران آنان در خصوص مقوله امامت چه چیزی را به زبان آوردند که در نزد امامان ما با چنین تعبیرهایی روبه‌رو شدند. بی‌شک سخنان «بتریه» همان بود که چندی پیش با چراغ سبز تعدادی از مسئولان و نشریه‌های زنجیره‌ای، برخی آن را به صورت سوزهای مطرح کردند و این استغراق‌گند و بدیوی تاریخ، با شس خردورزی و اندیشه‌وری به خورد جامعه داده شد.

مسئله مقبولیت و مشروعیت امامت امام علی(ع) و حجت قائل شدن برای امامت امام علی(ع) پس از رای مردم، از دردناک‌ترین مباحث‌هایی بود که برای مدتی مدید مطبوعات و حتی رسانه ملی را که به عنوان پاسخ‌گویی آن‌را دنبال می‌کرد، به خود مشغول ساخت و موجب شد برخی به نام آزادی

سال‌ها پیش از محضر یکی از استادانم جمله‌ای بدین مضمون شنیدم که «یکی از فرقه‌هایی که در آخرالزمان و در عصر ظهور حضرت مهدی(عج) احیاء می‌شود و برخی شیعیان بر اندیشه‌هایش مهر تأیید می‌زنند، فرقه بتریه است» این استاد بر این باور بود که احیاءکنندگان این اندیشه منحط در مقابل امام زمان(عج) ایستادگی می‌کنند و کار آنان به کارزار می‌گردد و حضرت، انبوهی از این گروه را از دم تیغ می‌گذرانند.

آن روز که این استاد بزرگوار تصویری از آرا و اندیشه‌های این فرقه را که در دوران امام محمدباقر(ع) شکل گرفت، ارائه می‌داد، هرگز در مخیله‌ام نمی‌گنجید، که روزی شاهد تبلیغ و ترویج باورهای این فرقه در مطبوعات و سخنان برخی مسئولان باشیم؛ آن هم در تنها کشور امام زمان(عج) در زیر آسمان گیتی.

«بتریه» که «بتریه» هم تلفظ می‌شود، یکی از فرقه‌های زبیده و پیروان «کثیر بن نواء» و «حسن بن صالح بن حی» است که پس از بیان دیدگاه‌های خود در خصوص مسئله خلافت و امامت علی‌بن ابی‌طالب(ع) در محضر امام محمدباقر(ع) حضرت به

پی‌نوشت‌ها

۱. دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۳۳۱
۲. همان، ص ۲۳۳
۳. دایره المعارف تشیع، ج ۳، ص ۸۷
۴. دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۳۳۲
۵. همان، ص ۲۳۲
۶. همان